

سالمندی موفق بر اساس رویکردهای سرمایه اقتصادی و فرهنگی

(مورد مطالعه: معلمان بازنشسته ۶۰ سال بالاتر شهر تبریز)

هادی افرا* ، رضا اسلامی** ، علی ایار***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سرمایه اقتصادی و فرهنگی با سالمندی موفق در میان معلمان بازنشسته ۶۰ سال بالاتر آموزش و پرورش تبریز صورت گرفته است. در این خصوص از نظریات شای، آرگایل، بوردیو، راو و کان و... برای بررسی موضوع استفاده شده است. روش تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری معلمان بازنشسته ۶۰ سال بالاتر آموزش و پرورش شهر تبریز به تعداد ۳۴۰۳ نفر می‌باشد. از این تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران انتخاب گردید. برای سنجش سالمندی موفق از پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ و ویلیامز و مقیاس رضایت از زندگی دینر و پات بهره گرفته شده است. برای سنجش سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی از پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار *Spss* اقدام شده است. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میانگین سالمندی موفق در بین بازنشستگان آموزش و پرورش شهر تبریز در حد متوسط می‌باشد. همچنین ضریب تبیین شده رگرسیون نشان می‌دهد که ۳۸ درصد کل تغییرات مربوط به متغیر سالمندی موفق، ناشی از تغییرات سرمایه فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. میزان ضرایب بتا نشان می‌دهد، که متغیر سرمایه فرهنگی به میزان ۴۷/۷ درصد و سرمایه اقتصادی به میزان ۳۹/۷ درصد هر یک به صورت جداگانه بر سالمندی موفق تأثیرگذار بوده‌اند. میزان بالای سرمایه اقتصادی و فرهنگی در بین سالمندان باعث افزایش سلامت روحی و روانی و افزایش شادمانی و رضایت از زندگی در بین سالمندان بازنشسته می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: سالمندی موفق، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سلامت عمومی، رضایتمندی از زندگی

* دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول). hadi.afra83@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. reza4eslami@gmail.com

*** دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. aliyar_85@yahoo.com

بیان مسئله

افزایش روزافزون جمعیت سالمندان در جهان توسعه‌یافته و در حال توسعه، تا اندازه‌ای است که از آن با عنوان انقلاب ساکت یاد شده است به طوری که این افزایش طول عمر، جدای از اینکه یک دستاورد اجتماعی است، یک چالش مهم فراروی این جوامع محسوب است. از این رو، مسئله سالمندی در سال‌های اخیر به عنوان یک موضوع اساسی مطرح شده چنانچه سال ۱۹۹۹ را به عنوان سال جهانی سالمندان نام گرفت. با افزایش امید به زندگی، درک موضوعات در رابطه با ناتوانی و سلامتی در سالمندی و چگونگی ارتقای سلامتی و موفقیت افراد در دوران سالمندی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

با توجه به تأثیرگذاری این پدیده در کلیه جنبه‌های زندگی جوامع بشری، مقابله با چالش‌های فرا راه این پدیده و استفاده از تدابیر مناسب برای ارتقای وضعیت جسمانی، روانی و اجتماعی سالمندان دارای اهمیت بسیاری بوده است. امروزه یکی از راهبردهای تأثیرگذار ارتقای سلامت در سالمندان رسیدن به هدف سالمندی موفق^۱ است که راه‌حل مناسبی برای کاهش مشکلات و هزینه‌های دوران سالمندی است (ابوالحسنی و باستانی، ۱۳۹۷: ۶۳). سالمندی موفق یعنی عمر طولانی همراه با سلامتی و کیفیت زندگی بهتر برای سالمندان جامعه.

افزایش جمعیت سالمند در کشورهای در حال توسعه بسیار شدیدتر از کشورهای توسعه‌یافته خواهد بود. ایران هم جزء کشورهایی است که مرحله گذار جمعیتی را طی می‌کنند و دارای ساختار سنی جوان ولی در حال انتقال است. آمارها نشان می‌دهند همراه با افزایش جمعیت سالمند در جهان، ایران نیز با پدیده سالخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهد شد و این پدیده‌ای گریزناپذیر است. زیرا در حال حاضر ایران در مرحله انتقال ساختار سنی جمعیت قرار دارد. در این مرحله میزان رشد سالانه گروه‌های مختلف سنی متفاوت از میزان رشد کل جمعیت است. در مقطع زمانی فعلی،

سالمندان ایران در گروه‌های سنی قرار دارند که رشد انفجاری قبل از دهه ۱۳۷۰ را تجربه می‌کنند، بنابراین این روند کاملاً طبیعی است.

علاوه بر این افزایش شاخص امید زندگی نیز به‌نوبه خود میزان رشد سالمندان را تشدید می‌کند (فتحی، ۱۳۹۹: ۱۲). به‌طوری‌که جمعیت سالمندان از سال ۱۳۳۵ تاکنون تغییرات زیادی داشته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۳۰، جمعیت سالمندان کشور به ۱۸/۹۸۷/۴۴۵ نفر یعنی ۱۹/۹۲ درصد جمعیت برسد (فتحی، ۱۳۹۹: ۱۰). بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۹/۳ درصد جمعیت ایران را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند که حکایت از رشد پرشتاب جمعیت سالمند دارد. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰ جمعیت بالای ۶۰ سال در ایران تقریباً به حدود ۱۰ میلیون نفر خواهد رسید (علی پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۴۲). این اعداد و ارقام نشان می‌دهند که سالمند شدن جمعیت در ایران نیز مانند بسیاری دیگر از جوامع روندی افزایشی به خود گرفته است. علی‌رغم آنکه توجه به مسائل و مشکلات سالمندان در حوزه پزشکی قدمت طولانی دارد اما توجه به این پدیده بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگی نگرشی جدید است. شواهد زیادی نشان می‌دهد که برخلاف تصور گذشته، پیری بدنی تحت تأثیر ژن‌ها نیست، بلکه عناصر مربوط به شیوه زندگی نیز به همان نسبت تأثیر قدرتمندی بر پیری دارند (Rowe & Kahn, 2004). یعنی در کنار نگرش زیست‌شناختی به فرآیند سالمندی و بررسی شخصیت سالمندان برحسب تغییرات درونی آن‌ها، باید سالمندی را بر اساس بستر و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع نیز مطالعه کرد. به عبارتی، توجه به این واقعیت که طول عمر به‌تنهایی شاخص نهایی سالمندی موفق نیست، بلکه عوامل مربوط به کیفیت زندگی و زمینه‌های فرهنگی نیز در آن دخیل هستند (Angel, 2014: 3)، بسیاری از معیارهای سالمندی موفق و زندگی خوب در دوران سالمندی ارتباط مستقیم با باورها و داشته‌های فرهنگی دارند.

یکی از این معیارهای مهم فرهنگی مرتبط با سالمندی موفق، انواع سرمایه و به‌طور خاص سرمایه فرهنگی^۱ و سرمایه اقتصادی است. بر همین اساس در هر دوره زندگی و از جمله دوره سالمند، می‌توان الگوهای فرهنگی مشترکی را در امور گوناگون زندگی یافت که بر میزان سلامت افراد و فرآیند سالمندی تأثیر گسترده‌ای دارد. قشر فرهنگیان سالمند که مورد مطالعه این تحقیق هستند، عموماً دارای تحصیلات عالی (یکی از عناصر سرمایه فرهنگی) هستند و نیز به دلیل شرکت در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت و به‌کارگیری این دانش به‌صورت عملی سرمایه فرهنگی خوبی دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد که وجود میزان بالایی از معلومات در میان این قشر از جامعه، می‌تواند موجب شکل‌گیری رفتارهای خاصی در راستای ارتقای سلامت گردد و در دوران پیری و بازنشستگی موجبات بروز سالمندی موفق را فراهم آورد. بنابراین، ارتقای سرمایه فرهنگی مکانیسمی برای افزایش سالمندی موفق از طریق بقا^۲ (طول عمر)، تندرستی (فقدان بیماری) و رضایتمندی از زندگی^۳ (شادمانی) است (معمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

با توجه به اهمیت سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه فرهنگیان سالمند و همچنین کاهش رشد جمعیت در سال‌های اخیر و افزایش جمعیت سالمند، بحث سالمندی موفق مطرح شده است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی بر سالمندی موفق در میان فرهنگیان بازنشسته ۶۰ سال بالاتر شهر تبریز در پی پاسخگویی به این سؤال است که تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی بر سالمندی موفق چگونه است؟

-
1. Cultural capital
 2. Survival
 3. Life satisfaction

پیشینه مطالعه

رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) تحقیقی را با عنوان شاخص‌های سلامت روان سالمندی در فرهنگ ایرانی با روش مرور نظام‌مند انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از بین ۸۹۷ مقاله، ۵۱ مقاله مرتبط انتخاب شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی همانند زندگی با خانواده، روابط و مشارکت اجتماعی، وضعیت بهداشت و سلامت جسمی و روانی، باورهای مذهبی و سبک زندگی، اصلی‌ترین شاخص‌های سالمندی سالم ایرانی است و اولویت برنامه‌های حمایتی، مراقبتی و سنجش و پایش وضعیت سالمندی در کشور می‌تواند متمرکز بر این مؤلفه‌ها باشد.

جورکش و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی که با عنوان الگوی ورزش سالمندان ایران که با روش گرندد تئوری بین متخصصان و صاحب‌نظران مدیریت ورزشی، پیشکسوتان ورزشی، اعضای هیات علمی و همچنین، مسئولان ادارات درگیر در سالمندی اعم از بهداشت، بهزیستی و سازمان امور اجتماعی شهرداری در شهر اصفهان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نظری انجام داده‌اند، نتیجه می‌گیرند که زندگی فعال سالمندان باعث افزایش توانایی و کارایی فیزیکی می‌شود و افزایش سلامتی آنها از جمله سرزندگی، شادابی و عملکرد عاطفی آنها در وضعیت بهتری قرار می‌گیرد. هرچه سالمندان زندگی پرتحرکی داشته باشند، میزان سلامتی جسمانی و روانی آنها ارتقا می‌یابد. ورزش و فعالیت بدنی به عنوان اصل مهم در زندگی افراد سالمند، باید مورد توجه نهادها و سازمان‌های مرتبط قرار گیرد و در کنار برنامه‌های درمانی و مراقبتی، به عنوان روشی کم‌هزینه و سالم برای پیشگیری از بروز مشکلات مربوط به سالمندان به آن پرداخته شود.

احمدی و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان سالمندی و معنای زندگی که بین ۲۸۷ نفر از افراد سالمند بالای ۶۰ سال در شهر تهران انجام داده‌اند. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوا و آزمون‌های خی دو و تحلیل واریانس استفاده کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خانواده، رابطه عاطفی، اخلاقیات و نیاز به پذیرش اجتماعی بیشترین تأثیر را به عنوان منبع معنا به زندگی سالمندان دارند.

امانی (۱۳۹۵) تحقیقی را با عنوان شادکامی در دوران سالمندی به روش پیمایش بین ۲۵۰ نفر از سالمندان ساکن شهر همدان انجام داده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که بین عزت نفس و شادکامی در سالمندان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که بر اساس عزت نفس می‌توان ۴۲ درصد از شادکامی سالمندان را پیش‌بینی کرد. بنابراین، با بهبود شاخصه‌های عزت نفس سالمندان، می‌توان شادکامی آنان را ارتقاء بخشید. وفائی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان پیش‌بینی سالمندی موفق بر اساس راهبردهای مدیریت زندگی به روش پیمایش بین ۳۰۰ نفر از سالمندان ساکن شهر همدان انجام داده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که راهبردهای مدیریت زندگی با سبک زندگی سالم ارتباط دارد. اما، راهبردهای مدیریت زندگی تنها پیش‌بینی کننده زیرگروه خود مسئولیت‌پذیری سبک زندگی سالم است. جبران نیز به تنهایی پیش‌بینی کننده زیرگروه خود مسئولیت‌پذیری سبک زندگی سالم است. مداح (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان وضعیت فعالیت‌های اجتماعی و نحوه گذران اوقات فراغت در بین سالمندان ایران و سوئد پرداخته است. حجم نمونه شامل ۸۲۵ سالمند ایرانی به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای با رعایت نسبت جنسی از مناطق مختلف شهر تهران، ۳۰۵ سالمند سوئدی و نیز ۱۰۱ سالمند ایرانی مقیم سوئد از طریق اداره آمار شهر استکهلم است. نتایج نشان داد که به‌رغم اشتراکات بسیار، فراوانی و نوع فعالیت‌های اجتماعی و ایام فراغت در سه گروه فوق به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و محیطی مختلف است. عواملی مانند گسترش شهرنشینی، کمبود تسهیلات، عدم آشنایی یا توجه به شیوه زندگی سالم سبب شده است که میزان رضایت شهروندان سالمند ایرانی از روابط اجتماعی و نحوه گذران ایام فراغت از سالمندان سوئدی کمتر باشد.

شجاع و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی به بررسی سلامت روان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی سالمندان پرداختند. این تحقیق به شیوه پیمایش، بین ۳۲۰ نفر از سالمندان ساکن منطقه نه شهر تهران انجام شده است. نتایج حاکی است که بین مؤلفه‌های اعتماد فردی و همبستگی و حمایت اجتماعی سرمایه اجتماعی و همچنین متغیرهای سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، اشتغال، سن و مالکیت منزل مسکونی با سلامت روانی سالمندان رابطه وجود دارد. اما بین مؤلفه اعتماد اجتماعی و روابط انجمنی سرمایه اجتماعی و همچنین متغیرهای مدت اقامت در محل، جنسیت، پوشش بیمه، قومیت و اندازه خانوار با سلامت روان سالمندان مطالعه رابطه معنادار وجود ندارد. هراندازه فرد از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار باشد از سلامت روانی مطلوب‌تری برخوردار است. همچنین فرد دارای سلامت روانی بهتر واجد شرایط پذیرش مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی در جامعه است که این مسئله نشان از رابطه دوطرفه سلامت روان و سرمایه اجتماعی دارد. از این رو ارتقای هر یک می‌تواند بر دیگری تأثیرگذار باشد.

کیانپور و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان رابطه بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و رضایت از بازنشستگی در سالمندان بازنشسته بین ۹۶ سالمند با روش نمونه‌گیری در دسترس از مراجعان به کانون بازنشستگی آموزش و پرورش شهر اهواز در سال ۱۳۸۸ انجام داده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، بین سلامت، اشتغال به کار مجدد پس از بازنشستگی، داشتن وضع مالی مناسب و احساس سودمندی با رضایت از بازنشستگی همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. رابطه بین سن بازنشستگی و بازنشستگی همسر با رضایت از بازنشستگی منفی است. این پژوهش نشان می‌دهد که سلامتی، اشتغال به کار مجدد پس از بازنشستگی، داشتن وضع مالی مناسب و احساس سودمندی همگی رضایت از بازنشستگی را بالا می‌برند. اما سن بازنشستگی بالاتر و بازنشستگی همسر، رضایت از بازنشستگی را کاهش می‌دهد.

لولا^۱ و همکاران (۲۰۱۰) تحقیقی را با عنوان نگرش مثبت به سالمندی و سلامتی در میان ۳۱۶ نفر از سالمندان تایوانی انجام داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سالمندان عموماً نگرش‌های مثبتی نسبت به سالمندی داشته‌اند. اما در این میان سالمندانی که از حمایت اجتماعی کمتری برخوردار بودند، نگرش مثبت کمتری نسبت به سالمندی داشتند که با نشانه‌های افسردگی در ارتباط بود و نیز سالمندان جوان‌تر که حمایت اجتماعی بیشتری دریافت می‌کردند و در اجتماعات بزرگ‌تر شرکت می‌کردند، نگرش‌های مثبت‌تری نسبت به سالمندی داشتند که با میزان بالاتر شادی در میان آنان رابطه داشته است.

فیوری و دنکلا^۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان حمایت اجتماعی و سلامت روانی که بین ۶۷۶۷ نفر از سالمندان انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که دریافت حمایت عاطفی فقط با سلامت روانی زنان رابطه مستقیمی دارد. درحالی‌که حمایت ابزاری و احساسی با سلامت روانی زنان و مردان با الگوهای مختلف رابطه داشته است. مردانی که حمایت ابزاری به‌غیر از خویشاوندان دریافت می‌کردند، فقط سطح بالایی از نشانه‌های افسردگی را داشتند.

داهانی^۳ و همکاران (۲۰۱۴) تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر سالمندی موفق در افراد ۶۵ تا ۷۵ سال در فرانسه انجام داده‌اند. در این تحقیق کیفیت زندگی مرتبط با سلامت را به‌عنوان معیار سالمندی موفق مفهوم‌سازی کرده‌اند و بر نقش بهزیستی روانشناختی و جسمانی تأکید نموده‌اند و از رگرسیون لجستیک برای بررسی ارتباط بین سالمندی موفق و عوامل اجتماعی-جمعیتی، روانی-اجتماعی، جسمی و رفتاری استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بهزیستی جسمی و روانی، ورزش منظم و وضعیت تغذیه‌ای از عوامل مهم تعیین‌کننده سالمندی موفق

1. Luo Lu
2. Fiori and Denckla
3. Dahany

است. بنابراین بسیار مهم است که سیاست‌ها و برنامه‌های مراقبت‌های بهداشتی برای تقویت پیری سالم و موفق بر این عناصر تأکید کنند.

لی و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان سالمندی موفق با کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی و عوامل تعیین‌کننده آن را بین سالمند جامعه تایچونگ کشور تایوان انجام داده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون لجستیک استفاده کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که سالمندی موفق با سن، مشکلات مزمن مرتبط با سلامتی و حمایت روانی مرتبط بود. بنابراین، آن‌ها در مطالعات خود بر اهمیت کیفیت زندگی تأکید نموده و سالمندی موفق را از طریق حمایت روانی اجتماعی تعریف کرده‌اند.

هیزل^۲ و همکاران (۲۰۱۸) تحقیقی را با عنوان سالمندی موفق در میان زنان مسن فیلیپینی زندانی شده، به شیوه نظریه مبنایی انجام داده‌اند. هدف این مطالعه توصیف فرآیندی است که طی آن سالخورده‌گان زن فیلیپینی زندانی، پیری موفق را تجربه می‌کنند. در این مطالعه از تئوری مبتنی بر اشتراوس و کوربین استفاده شده است. مصاحبه‌های نیمه ساختاری با ۱۵ زن فیلیپینی زندانی که به‌طور هدفمند انتخاب شده‌اند. یافته‌های آن‌ها پنج مرحله نسبت به سالمندی موفق را نشان داد، یعنی: مبارزه، انگیزه دوباره، اصلاح، ادغام مجدد و پایداری. این مراحل توصیف می‌کنند که چگونه زنان مسن زندانی فیلیپینی تحت تحول به سمت سالمندی موفق قرار می‌گیرند.

چارچوب نظری

یک نگرش جامعه‌شناختی به سالمندی موفق بر مهارت‌های برانگیزاننده، همچون مقابله با تنیدگی و فقدان، در تعاملی اجتماعی (یعنی فرایند رسیدن به سالمندی موفق) تأکید می‌ورزد. راو و کان^۳ (۱۹۹۸)، سالمند موفق را توانایی می‌دانند که شامل سه رفتار یا سه

1. Li

2. Heizel

3. Rowe and Kahn

ویژگی کلیدی است: ۱) احتمال کم برای وجود بیماری و یا بیماری‌هایی که منجر به ناتوانی شود. ۲) کنش بالای ذهنی و بدنی ۳) درگیری فعال با زندگی آنها تأکید می‌ورزند که تعریفشان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای از وجود بیماری و ناتوانی و پرهیز از پیری متفاوت است. سالمندی موفق تقلید جوانی نیست، بلکه درگیری فعال با مردم، گروه‌ها، فعالیت‌ها و در کل با زندگی است.

نظریات جامعه‌شناختی متعددی در خصوص سالمندی مطرح شده است. از جمله نظریه عدم تعهد^۱ الیان کامینگ و ویلیام هنری^۲ است که معتقدند کاهش تعامل اجتماعی در دوران پیری به این دلیل است که برخلاف میل اکثر سالمندان، جامعه آن‌ها را کنار می‌گذارد. در واقع، جامعه و فرد سالمند بسیاری از روابط دوجانبه خود با همدیگر را متقابلاً محدود می‌کنند. بر اساس این نظریه، گریزناپذیر بودن مرگ، فرد را وادار به ترک بخش مهمی از نقش‌های اجتماعی خود می‌کند. هویگ هرست^۳ در نظریه فعالیت^۴ معتقد است که فعالیت باعث افزایش سلامتی در دوران پیری می‌شود و سالمندی که فعال باقی می‌ماند، به‌گونه‌ای بهتر با اوضاع تطابق خواهد یافت. در واقع، پیری موفقیت‌آمیز ایجاب می‌کند که نقش‌های تازه‌ای کشف شود، یا برای حفظ نقش‌های قدیم، وسایل تازه‌ای به وجود آید. شخص سالمندی که فعال باقی می‌ماند به‌گونه بهتری با شرایط تطابق خواهد یافت. طرفداران این نظریه نتیجه‌گیری می‌کنند که سالمندان به‌اندازه افراد میانسال، تمایل به برقراری روابط اجتماعی دارند.

گربریوم^۵ در نظریه محیط اجتماعی^۶ معتقد است که رفتار دوران پیری به برخی شرایط بیولوژیک و اجتماعی بستگی دارد. بر اساس این نگرش، سه عامل مهم سلامتی، وضعیت مالی و حمایت‌های اجتماعی بر سطح فعالیت فرد سالمند تأثیرگذار هستند.

-
1. Disengagement theory
 2. Cummings and Henry
 3. Huig Herfst
 4. Activity theory
 5. Gurbrium
 6. social environment theory

اشلی^۱ در نظریه استمرار^۲ معتقد است افرادی که نقش فعالی دارند، در توسعه ساختارهای فردی مشارکت می‌کنند. آخرین مرحله زندگی دنباله مراحل قبلی است. موقعیت‌های اجتماعی می‌توانند معرف نوعی عدم پیوستگی باشند، اما سازگاری و سبک زندگی اصولاً از طریق سبک‌ها، عادات و ذوق‌هایی که در تمام طول زندگی کسب شده است، امکان‌پذیر است (شیانی و زارع، ۱۳۹۲: ۲۲ و امین جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵ و میری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰۶ - ۳۰۸).

از عواملی که می‌تواند نقش سازنده و کلیدی بر سالمندی موفق داشته باشد، سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از ثروت‌های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب‌شده برمی‌گردد که به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیک حالت درونی شده به خود می‌گیرد و از سوی دیگر به صورت موفقیتی مادی، سرمایه به حالت عینیت یافته میراث فرهنگی به شکل اموال جلوه می‌کند و می‌تواند به شکل نهادینه شده در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی و غیره که به استعدادهای فرد عینیت می‌بخشد و جامعه آن را بازشناسی و نهادینه می‌کند و اغلب برای آن پایگاه قائل می‌شود (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری شیوه زندگی است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدرک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد. این نقطه نظر یادآور مفهوم مصرف چشمگیر و بلن نیز هست، یعنی طبقات بالا با چشمگیر ساختن شیوه زندگی خود از دیگران متمایز می‌شوند (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۴). بورديو معتقد است سرمایه منبع عامی است که می‌تواند شکل پولی و غیرپولی و نیز ملموس و غیرملموس به خود بگیرد. با این تعبیر می‌توان گفت که سرمایه فرهنگی به شیوه‌های فرهنگی خاصی اشاره دارد که در روند

1. Atchley
2. Continuity theory

آموزش‌های رسمی و خانوادگی در افراد تثبیت‌شده و ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لوازم فرهنگی را در برمی‌گیرد (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف و نیز اتخاذ رفتارهای تندرستی را موجب می‌شود که خود همین امر، اتخاذ رفتارهای تندرستی، موجب می‌گردد افراد در دوران سالمندی کمتر به بیماری مبتلا شده و در صورت ابتلا به بیماری نیز کمتر با تبعات آن درگیر شوند. در واقع دارندگان سرمایه فرهنگی بالا در طبقه بالای اجتماعی قرار می‌گیرند. هم‌چنین دارندگان امتیازات اقتصادی که در طبقه بالای اجتماعی قرار دارند، به راحتی به ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی دست می‌یابند.

بورديو اظهار می‌دارد که رفتن به تئاتر، سینما و اپرا و خواندن روزنامه، داشتن دوربین عکاسی، و امثال آن‌ها می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ها و امکانات سرمایه فرهنگی به شمار آید. وی معتقد است که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود سرمایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود سرمایه اقتصادی به وجود آورد. بنابراین، سرمایه فرهنگی شامل گرایش‌ها و عادت‌های پابرجا و تثبیت‌شده در طول فرآیند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۶). به نظر بورديو موقعیت کنشگر در فضای اجتماعی بستگی به حجم و میزان سرمایه فرهنگی او دارد؛ یعنی هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی موقعیت بالاتری خواهد داشت و این خود رفتار و سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Cockeham, 2008: 163).

همان‌گونه که در بحث سرمایه فرهنگی مطرح گردید، سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون و به تبع آن اتخاذ رفتارهای تندرستی می‌گردد که خود همین امر، اتخاذ رفتارهای تندرستی، می‌تواند با ایده سالمندی موفق ارتباط تنگاتنگی داشته باشد. به‌گونه‌ای که عادت‌های پابرجا و

شیوه‌های زندگی تثبیت شده در طول فرآیند جامعه‌پذیری چنان تأثیری بر افراد می‌گذارد که طی آن افراد به دلیل اتخاذ رفتارهای تندرستی مناسب کمتر به بیماری مبتلا می‌شوند و در نتیجه فعالانه در زندگی اجتماعی مشارکت و همکاری می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۷: ۲۲). همچنین از دیدگاه بوردیو، موقعیت کنشگر در فضای اجتماعی بستگی به حجم و میزان سرمایه فرهنگی او دارد؛ یعنی هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی موقعیت بالاتری خواهد داشت و این خود رفتار و سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این امر بی‌ارتباط با ایده سالمندی موفق از نظر راو و کان نیست که معتقدند سالمندی موفق شامل سه رفتار یا سه ویژگی کلیدی است: (۱) احتمال کم برای وجود بیماری و بیماری‌هایی که منجر به ناتوانی شود، (۲) کنش بالای ذهنی و بدنی، و (۳) درگیری فعال با زندگی (Cockeham, 2008: 164). در این راستا شکل‌گیری عادت‌واره‌ها (مجموعه‌ای از قابلیت‌هایی که فرد در طول حیات خود آن‌ها را درونی کرده است) و تبدیل آن‌ها به طبیعت ثانویه‌ای برای فرد، موجب می‌شود که فرد بدون آن‌که لزوماً آگاه باشد بر اساس آن‌ها عمل کند. یعنی افراد بر اساس میزانی از سرمایه فرهنگی که دارند، با اتخاذ رفتارهای مناسب زمینه سالمندی موفق را در خود پرورش می‌دهند که این امر حاکی از وجود ارتباط بین این دو متغیر می‌باشد (غفاری، ۱۳۸۷: ۲۴).

از متغیرهای تأثیرگذار دیگر بر سالمندی موفق، سرمایه اقتصادی می‌باشد. از نظر بوردیو، معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی از پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۷۲۵). افراد با داشتن سرمایه اقتصادی می‌توانند کالاهای فرهنگی بیشتری را در اختیار داشته باشند و از این طریق سرمایه فرهنگی خود را افزایش دهند. در واقع، موقعیت افراد برحسب حجم و نوع سرمایه آنها مشخص می‌شود و جایگاه آنان را ابتدا در خانواده و سپس در جامعه مشخص می‌سازد به همین دلیل است که اکثر افراد به‌مانند ارسطو، ثروت را یکی از عناصر ضروری رضایت از زندگی می‌دانند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

مطالعات نشان می‌دهد که افراد متعلق به طبقات بالاتر در مقایسه با افراد متعلق به طبقات پایین‌تر شادترند و کلاً پایگاه اقتصادی و اجتماعی شاهره شادی تلقی می‌شود (آیزنک^۱، ۱۳۸۷: ۱۱۳). بنابراین، کسانی که دارای سرمایه فرهنگی بیشتری هستند - که طبیعتاً پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری نیز دارند - موفق‌ترند و این موفقیت نیز باعث شادی آن‌ها می‌شود (آرگایل^۲، ۱۳۹۲: ۶۰). در همین رابطه برخی از تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح‌شده در حوزه شادمانی به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته‌اند که بیشتر نتایج مطالعات آن‌ها نشان داده است شرایط عینی به‌خودی‌خود نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح شادمانی افراد ندارند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

از جمله نظریه‌پردازانی که معتقد است شادی و رضایت از زندگی افراد جامعه به‌وسیله موقعیت‌های مادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، کارل مارکس است وی معتقد است که وضعیت عینی و مادی زندگی، رفاه و سعادت به ارمغان می‌آورد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۴). طبق نظر مارکس ساختار اقتصادی به‌مثابه زیربنای جامعه است و سرمایه فرهنگی به‌عنوان بخشی از فرهنگ در زمره روبنای فرهنگی جامعه محسوب می‌گردد. طبقه اجتماعی نمود عینی ساختار اقتصادی است و پایه آن مالکیت خصوصی است که بر اثر منابع اقتصادی انباشته می‌شود. این دست‌داری تنها اموال شخصی ساده نیستند، بلکه منابعی است که می‌توان به کمک آن چیزهایی با ارزش تولید کرد و ثروت اندوخت. از طرف دیگر طبقه تنها بعد عینی ندارد بلکه به عوامل ذهنی و خودآگاهی طبقاتی نیز اشاره دارد. رو بنا نیز متشکل از هر ساختاری است که مظهر عقایدی باشد که بر زندگی انسان اثر بگذارد (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۶). بنابراین اموری از قبیل مطالعه کتاب، تماشای تلویزیون، گوش دادن به رادیو، معاشرت با دیگران، فراگیری آموزش غیررسمی و... به‌عنوان صوری از سرمایه فرهنگی و قسمتی از رو بنا محسوب می‌شوند.

1. Eysenck
2. Argyll

برخی از تحقیقات از جمله داینر و همکاران (۲۰۰۹) چنین گزارش کرده‌اند که مردم کشورهای ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بسیار شادتر و از نظر سلامت روانی بالاتری برخوردار هستند. آرگایل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد ولی این ارتباط در بین اقشار کم‌درآمد بیشتر است؛ یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد بر نشاط تأثیر دارد ولی درآمد بیش از مورد نیاز، نشاط را افزایش نمی‌دهد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۶). نکته‌ای که در اکثر تحقیقات نشان داده شده آن است که میزان معینی از پول، شرط لازم ولی ناکافی برای سلامت روانی و شادمانی است (Kesebir and Diener, 2008: 122).

بر اساس مباحث نظری می‌توان گفت در صورت وجود سرمایه فرهنگی، افراد در قالب ارزش‌ها، هنجارها و پیوندهای اجتماعی موجود در تعاملات اجتماعی از طریق کالاها و ابزارهای فرهنگی می‌توانند، قابلیت‌های خود را افزایش دهند و در ضمن با به دست آوردن امکان کنترل زندگی خود، از مؤلفه‌های سالمندی موفق برخوردار شوند. سرمایه فرهنگی زمینه‌های ارزیابی و تفسیر متفاوت رویدادها، به عبارتی دانش متفاوتی را فراهم می‌کند که هیجان‌های متفاوتی را در افراد و گروه‌های متعدد ایجاد می‌کند. افرادی که دارای سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی بالاتری هستند، به واسطه ابعاد شناختی، حسی و رفتاری متفاوتی که دارند، که خواسته‌ها و انتظارات متفاوتی نسبت به بقیه افراد دارند، بهتر می‌توانند دوران سالمندی موفق را سپری کنند.

به عبارتی، هیجان‌ها و کنش‌های انسان نسبت به میزان سرمایه فرهنگی که در اختیار دارند متغیر و متعدد هستند. بنابراین، میزان دسترسی افراد به سرمایه‌های فرهنگی موجب احراز نوع خاصی از سبک از زندگی توسط آن‌ها می‌شود. آنچنان که سبک زندگی افراد مجموعه تفکرات، تفاسیر و ادراکات آن‌ها را تشکیل می‌دهند و آن بر بروز هیجان‌های خاص (غم، شادی و ...) مؤثر واقع می‌شود (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴). با توجه به مباحث نظری و مطالعات تجربی انجام شده فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

- بین سرمایه فرهنگی و سالمندی موفق رابطه وجود دارد.

- بین سرمایه اقتصادی و سالمندی موفق رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به جهت نوع آن، پیمایشی بوده که می‌توان آن را جزء تحقیقات پنهانگر به حساب آورد. همچنین بر اساس معیار زمان مقطعی بوده است به این نحو که تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۹ به اجرا درآمده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد بازنشسته ۶۰ سال بالاتر سازمان آموزش و پرورش شهر تبریز می‌باشند که تعداد آنان ۳۴۰۳ نفر می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر برآورد شده است. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده شده است. مراحل کار بدین صورت بوده که بین مناطق ۱۱ گانه:

مرحله ۱: پس از تعیین حجم نمونه، مناطق ۱، ۳، ۵، ۷، ۹ و ۱۱ شهرداری تبریز انتخاب شده؛

مرحله ۲: به نسبت معلمان ساکن در مناطق منتخب، نمونه‌ها تخصیص داده شده؛

مرحله ۳: انتخاب معلمان در مناطق منتخب؛

مرحله ۴: مراجعه به منازل معلمان منتخب؛

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شده است.

سالمندی موفق متغیر وابسته و سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی متغیرهای مستقل این تحقیق هستند. بیلتز^۱ با اذعان به پیچیدگی تعریف سالمندی موفق به چندین ویژگی آن، چون طول عمر (بقا)، سلامت (تندرستی) و رضایتمندی از زندگی (شادی) اشاره کرده‌اند (معمدی، ۱۳۸۴: ۴۴). در این تحقیق مقیاس سالمندی موفق بر اساس مؤلفه‌های سلامت عمومی و رضایتمندی از زندگی ساخته شده است. مبنای انتخاب مؤلفه‌های سالمندی موفق، تحقیقاتی هست که از این عوامل برای سنجش مفهوم یاد شده استفاده کرده‌اند (Phelan, 2002; Bowling and Dieppe, 2005; Dahany, 2014; Heizel, 2018) سلامت عمومی بر اساس پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-12)

گلدبرگ و ویلیامز^۱ (۱۹۹۸) اندازه‌گیری شده است. مقیاس رضایتمندی از زندگی بر اساس مقیاس رضایتمندی از زندگی دنیر (۱۹۸۴) اندازه‌گیری شده است. کسب نمره بالا در مجموع سؤالات این دو پرسشنامه، نشان‌دهنده سالمندی موفق است.

مفهوم سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری شیوه زندگی است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌باشد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۱). سرمایه فرهنگی مجموعه از دانش‌هاست که به شکل کالاها و ابزار فرهنگی نیز ظاهر می‌شود (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۳). به اعتقاد بوردیو، مفهوم سرمایه فرهنگی دارای سه بعد اصلی است. در پژوهش حاضر ابعاد عینی و ذهنی سرمایه فرهنگی مدنظر بوده است. بعد تجسم‌یافته یا ذهنی شامل تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است و بعد عینی شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی است.

برای سنجش بعد ذهنی سرمایه فرهنگی، از معرف‌های میزان علاقه به تماشای تلویزیون، میزان علاقه به گوش دادن رادیو، موسیقی، کار با اینترنت، میزان علاقه به مطالعه روزنامه، نشریه‌ها و مجلات، میزان علاقه به شرکت در جلسات علمی، خواندن کتاب و مراجعه به کتابخانه، میزان علاقه به رفتن به موزه، کنسرت و نمایشگاه‌های هنری و فرهنگی، سینما و تئاتر و مواردی مانند آن در سطح سنجش رتبه‌ای و در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

سرمایه فرهنگی عینیت یافته در اشیاء مادی، رسانه‌ها نظیر نوشتار، نقاشی، ابزار و نظایر آن و به‌طور کلی در مادیت آن، قابل انتقال است (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۴). برای سنجش بعد عینی سرمایه فرهنگی، از معرف‌های میزان استفاده از تلویزیون، رادیو، موسیقی، میزان کار با اینترنت، میزان استفاده از روزنامه، نشریه‌ها و مجلات، میزان شرکت در جلسات علمی، میزان خواندن کتاب و مراجعه به کتابخانه، میزان رفتن به موزه، کنسرت

و نمایشگاه‌های هنری و فرهنگی، سینما و تئاتر و مواردی مانند آن در سطح سنجش رتبه‌ای، به صورت محقق ساخته و در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. سرمایه اقتصادی به درآمد پولی، سایر منابع و دارائی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را می‌توان در حق مالکیت یافت (Stones, 2008: 222). به عبارت دیگر، سرمایه اقتصادی فرد شامل امکاناتی است که رفاه اقتصادی در اختیار دارد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵). همچنین سرمایه اقتصادی یا ثروت مادی، در واقع قدرت پرداخت برای شکلی از سرمایه است که می‌تواند تبدیل به کالاهای مادی شود (Hiller.J. and Rooksby, 2012: 128). سرمایه اقتصادی فرد از طریق معرف‌های وسایل رفاهی، درآمد فرد، نحوه مالکیت منزل، وضعیت منزل مسکونی، ماشین و نوع اتومبیل، زمین، باغ، سپرده بانکی و نوع اوقات فراغت و به صورت محقق ساخته سنجیده شده است.

در این پژوهش برای سنجش اعتبار، پرسشنامه قبل از اجرا در اختیار چند نفر از اساتید قرار گرفته و مورد تأیید واقع شده است. برای تعیین پایایی سؤال‌های پرسشنامه از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید. طبق جدول (۱)، نتایج تحلیل پایایی انجام گرفته برای گویه‌های سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و سلامت عمومی و رضایت از زندگی در حد مطلوب می‌باشد.

جدول ۱- پایایی گویه‌های مربوط به هریک از متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	ابعاد متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
سرمایه فرهنگی	عینی	۰/۸۵۶
	ذهنی	۰/۸۱۴
سرمایه اقتصادی	-	۰/۷۶۹
سالمندی موفق	رضایت از زندگی	۰/۷۹۱
	سلامت عمومی	۰/۸۵۰

یافته‌ها

در این پژوهش، از تعداد ۳۸۰ نفر پاسخگو، ۶۱/۶ درصد (۲۳۴ نفر) را مردان و ۳۸/۴ درصد (۱۴۶ نفر) درصد را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سن پاسخگویان تقریباً ۷۰ سال است که با توجه به ماکزیمم سن ۹۵ و مینیمم آن ۶۰ سال، می‌باشد. در ارتباط با توزیع فراوانی میزان تحصیلات سالمندان، ۲۳/۶۸ درصد (۹۰ نفر) دیپلم، ۳۰/۷۸ درصد (۱۱۷ نفر) تحصیلات در سطح فوق‌دیپلم، ۳۳/۱۵ درصد (۱۲۶ نفر) لیسانس و ۱۱/۳۱ درصد (۴۳ نفر) سالمندان دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر و ۱/۰۸ درصد به این گزینه پاسخ نداده‌اند. در خصوص محل سکونت سالمندان، ۹۲/۴ درصد محل سکونت خود را منزل شخصی اعلام کرده‌اند. ۲/۶ درصد منزل فرزندان و ۵ درصد سایر موارد را ذکر کرده‌اند.

طبق جدول ۲، برای سنجش سرمایه فرهنگی در کل از ۲۵ گویه به‌صورت یک طیف ۶ گزینه‌ای از اصلاً تا خیلی زیاد استفاده شده است. میانگین متغیر فوق ۷۰/۹۰ و میانگین درصدی آن ۴۷/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد سرمایه فرهنگی در بین سالمندان بازنشسته آموزش‌وپرورش شهر تبریز از میزان متوسط پایین‌تر است. این میزان برآورد برای سرمایه فرهنگی ذهنی با میانگین ۳۴/۶۷ و میانگین درصدی ۴۹/۲ و برای سرمایه فرهنگی عینی با میانگین ۳۶/۰۴ و میانگین درصدی ۴۵/۶، حاکی از پایین بودن سرمایه فرهنگی از بعد ذهنی و عینی در بین سالمندان بازنشسته آموزش‌وپرورش شهر تبریز حکایت دارد. همچنین، میانگین درصدی سرمایه اقتصادی ۵۸/۵۰ گزارش می‌شود که نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی سالمندان بازنشسته آموزش‌وپرورش شهر تبریز در حد متوسط می‌باشد.

برای سنجش متغیر سالمندی موفق به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق در کل ۴۱ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای به‌صورت یک طیف ۶ قسمتی استفاده شده. بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین سالمندی موفق در بین سالمندان بازنشسته آموزش‌وپرورش

شهر تبریز ۱۳۹/۷۱ و میانگین درصدی آن برابر با ۵۶ می‌باشد. در خصوص ابعاد سالمندی موفق می‌توان گفت، میانگین درصدی سلامت عمومی به میزان ۵۶ درصد و رضایت از زندگی به میزان ۵۷ درصد محاسبه شده است که گویای رضایت از زندگی و سلامت عمومی در بین سالمندان شهر تبریز می‌باشد هرچند این میزان در حد متوسط می‌باشد.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین درصدی	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداکاا ثر	حداقل	چولگی
سرمایه فرهنگی ذهنی	۴۹/۲۰	۳۴/۶۷	۱۵/۹۴	۲۵۴/۰۸	۷۶	۱۴	۱/۰۸۶
سرمایه فرهنگی عینی	۴۵/۶۰	۳۶/۰۴	۱۵/۱۵	۲۲۹/۵۷	۷۴	۱۶	۱/۰۱۵
کل سرمایه فرهنگی	۴۷/۵۰	۷۰/۹۰	۳۰/۱۴	۹۰۸/۹۴	۱۴۹	۳۳	۱/۲۱۵
سرمایه اقتصادی	۵۸/۵۰	۱۳/۴۷	۵/۴۵	۲۹/۷۱	۲۳	۴	۰/۱۱۹
سلامت عمومی	۵۶	۹۴/۸۵	۲۵/۱۶	۶۳۳/۴	۱۶۸	۴۱	۱/۲۴
رضایت از زندگی	۵۷	۴۴/۸۸	۷/۶۳	۵۸/۲۷	۷۸	۱۸	-۰/۷۱۲
سالمندی موفق	۵۶	۱۳۹/۷۱	۲۸	۷۸۵/۱۰	۲۴۶	۸۵	۱/۲۷

نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که رابطه بین سرمایه فرهنگی در دو بعد عینی و ذهنی و سالمندی موفق در سطح ۰/۰۱ معنادار است و همبستگی بین متغیرهای فوق مستقیم گزارش می‌شود. به طوری که طبق جدول (۳)، ملاحظه می‌شود، رابطه بین سرمایه فرهنگی عینی و سالمندی موفق در ابعاد رضایت از زندگی و سلامت عمومی معنی‌دار و شدت همبستگی مستقیم و متوسط است. در خصوص متغیر سرمایه فرهنگی ذهنی نیز رابطه معنی‌دار و شدت همبستگی قوی می‌باشد. در خصوص رابطه بین سرمایه اقتصادی و سالمندی موفق رابطه معنی‌دار و شدت همبستگی متوسط به بالا است.

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی بین ابعاد سرمایه فرهنگی و سالمندی موفق

متغیر مستقل	متغیرهای وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
سرمایه فرهنگی عینی	رضایت از زندگی	۰/۳۱۶	۰/۰۰۰
	سلامت عمومی	۰/۵۶۴	۰/۰۰۰
	سالمندی موفق	۰/۶۶۱	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی ذهنی	رضایت از زندگی	۰/۴۸۲	۰/۰۰۰
	سلامت عمومی	۰/۶۰۷	۰/۰۰۰
	سالمندی موفق	۰/۷۰۳	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	رضایت از زندگی	۰/۴۰۴	۰/۰۰۰
	سلامت عمومی	۰/۶۰۰	۰/۰۰۰
	سالمندی موفق	۰/۶۹۷	۰/۰۰۰
سرمایه اقتصادی	رضایت از زندگی	۰/۴۲۸	۰/۰۰۰
	سلامت عمومی	۰/۶۴۶	۰/۰۰۰
	سالمندی موفق	۰/۶۸۵	۰/۰۰۰

هدف از تحلیل رگرسیون، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای سرمایه فرهنگی و اقتصادی در تعیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر سالمندی موفق است. نتایج به‌دست‌آمده از انجام تحلیل رگرسیون چندگانه روی داده‌ها نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه رگرسیونی فوق برابر با ۰/۶۱۷ و ضریب تبیین برابر با ۰/۳۸۰ می‌باشد. بدین معنی که ۳۸ درصد کل تغییرات مربوط به متغیر سالمندی موفق ناشی از تغییرات سرمایه فرهنگی و اقتصادی می‌باشد.

علاوه بر این، نتایج تحلیل واریانس رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که اثر رگرسیون یا اثر متغیر مستقل نسبت به اثر باقی‌مانده، کاملاً معنی‌دار است و میزان دوربین واتسون به‌دست‌آمده برای این مدل برابر با ۱/۹۲ می‌باشد که نشانگر این است که باقی‌مانده‌ها برای مدل رگرسیونی مستقل از هم می‌باشد. بر اساس جدول (۴)، متغیر وابسته

سالمندی موفق بیشتر از متغیر سرمایه فرهنگی متأثر می‌باشد. نتایج حاصله از ضرایب بتا در میان کل پاسخگویان نشان می‌دهد متغیر سرمایه فرهنگی به میزان ۴۷/۷ درصد و متغیر سرمایه اقتصادی به میزان ۳۹/۷ درصد هر یک به صورت جداگانه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سالمندی موفق داشته‌اند.

جدول ۴- آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه سالمندی موفق

متغیرها	Beta	T	Sig	ضریب همبستگی چندگانه (R)
سرمایه فرهنگی	۰/۴۷۷	۳/۸۲۵	۰/۰۰۰	۰/۶۱۷
سرمایه اقتصادی	۰/۳۹۷	۳/۵۸۸	۰/۰۰۰	۰/۳۸۰
دوربین واتسون				
تحلیل واریانس				
	F آماره			۱/۹۲
	Sig			۱۴/۴۴۱
				۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

ایده سالمندی موفق که توسط بیلتز^۱ (۱۹۹۰) مطرح شد راهکار مناسبی جهت کاهش مشکلات سالمندی و ارائه پاسخ مطلوبی به این مشکلات است. همان‌طور که آماره‌های مربوط به متغیر وابسته نشان می‌دهد، ایده سالمندی موفق در بین بازنشستگان آموزش و پرورش در حد متوسط است. به طوری که میانگین سالمندی موفق ۱۳۹/۷۱ محاسبه شده است که اگر به صورت درصد بیان شود، معادل ۵۶٪ سالمندان بازنشسته آموزش و پرورش شهر تبریز ایده سالمندی موفق را تجربه کرده‌اند، یعنی تقریباً نیمی از افراد مورد مطالعه اذعان کرده‌اند که برخوردار از شاخص‌های سالمندی موفق از قبیل رضایت از زندگی و سلامت عمومی هستند.

1. Byltz

میانگین درصدی سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیر مستقل تحقیق ۴۷/۵ درصد به‌دست‌آمده است. این یافته در بین قشر فرهنگیان تا حدودی پایین اعلام می‌شود. لذا پایین بودن سرمایه فرهنگی در بین دبیران بازنشسته که زمانی خود کنشگران فرهنگی جامعه محسوب می‌شدند، می‌تواند موقعیت و جایگاه آنان را دگرگون سازد. همچنان که بورديو مطرح می‌کند، موقعیت کنشگر در فضای اجتماعی بستگی به حجم و میزان سرمایه فرهنگی او دارد. یعنی هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد در فضای اجتماعی موقعیت بالاتری خواهد داشت و این خود رفتار و سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرمایه فرهنگی به‌نوبه خود موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون و تبع آن اتخاذ رفتارهای تندرستی می‌گردد که خود همین امر یعنی اتخاذ رفتارهای تندرستی، می‌تواند با ایده سالمندی موفق ارتباط تنگاتنگی داشته باشد. به‌عبارتی دیگر افراد بر اساس میزانی از سرمایه فرهنگی که دارند، با اتخاذ رفتارهای مناسب زمینه سالمندی موفق را در خود پرورش می‌دهند که این امر حاکی از وجود ارتباط بین این دو متغیر است.

بنابراین، می‌توان گفت در جامعه مورد مطالعه، اهمیت سرمایه فرهنگی در سالمندی موفق به روشنی مشخص است و می‌توان از نظریه بورديو برای تبیین این مسئله استفاده کرد. بنا به اعتقاد بورديو کسب سرمایه فرهنگی تنها راه تحرک صعودی محسوب می‌شود. در نتیجه سرمایه فرهنگی بیش از عوامل دیگر می‌تواند موفقیت سالمندان را تبیین نماید دلیل آن در واقع این است که قابلیت تبدیل سرمایه فرهنگی به سایر سرمایه‌ها بیشتر است در واقع این بخش از نظریه بورديو که معتقد است در جهان معاصر اهمیت سرمایه فرهنگی در زندگی افراد بیش از سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی است. با یافته‌های تحقیق و نتایج حاصله رگرسیون چندگانه متغیر سرمایه فرهنگی به میزان ۴۷/۷ درصد و متغیر سرمایه اقتصادی به میزان ۳۹/۷ درصد همسویی دارد.

بنابراین، سرمایه فرهنگی که سالمندان در طول زندگی‌شان کسب می‌کنند بر سالمندی موفق آن‌ها تأثیرگذار است. نتایج این بخش از این تحقیق با یافته‌های پژوهش‌هایی مانند اردمن و پالمور (۱۹۷۹)، جستی، دپ و واهیا (۲۰۱۰)، باقری (۱۳۸۶)، خسرونزاد (۱۳۹۰)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۰)، فرهادی و همکاران (۱۳۹۲)، زارع و همکاران (۱۳۹۲)، صادقی و خادمی (۱۳۹۲)، بلوردی (۱۳۹۴)، جعفری (۱۳۹۵)، امین جعفری و همکاران (۱۳۹۶) همخوانی دارد.

نتایج تحلیل چند متغیره حاکی از آن است که سرمایه اقتصادی بر سالمندی موفق تأثیرگذار بوده است. یعنی با افزایش سرمایه اقتصادی در بین سالمندان بازنشسته آموزش و پرورش، ایده سالمندی موفق بیشتر جلوه‌گر شده و بالطبع رضایت و سلامت عمومی در بین سالمندان نیز افزایش می‌یابد. بر اساس مطالعات انجام‌گرفته توسط آیزنک (۱۹۹۸)، نشان می‌دهد که افراد متعلق به طبقات بالاتر در مقایسه با افراد متعلق به طبقات پایین‌تر شادترند و کلاً پایگاه اقتصادی و اجتماعی شاهره رضایت از زندگی تلقی می‌شود. مطالعات آرگایل (۱۹۹۹)، حاکی ست کسانی که دارای سرمایه اقتصادی بیشتری هستند موفق‌ترند و این موفقیت نیز باعث شادی و رضایت از زندگی آن‌ها می‌شود. درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برآورده می‌کند بر شادمانی تأثیرگذار است ولی درآمد بیشتر از حد نیاز شادمانی را افزایش نمی‌دهد. افراد دارای سرمایه اقتصادی بالاتر بهتر می‌توانند از کالا و خدمات مورد نیاز استفاده کنند و بر اساس میزان سرمایه اقتصادی که دارند دارای پایگاه‌های متفاوتی هم هستند. پایگاه متفاوت سرمایه فرهنگی متفاوتی نیز در پی دارد. این نتیجه با یافته‌های درویش پور و همکاران (۱۳۸۸)، کیانپور (۱۳۹۰)، شجاع و همکاران (۱۳۹۲)، زارع و همکاران (۱۳۹۲)، و لی و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

در ایران مانند بسیاری از کشورها جمعیت سالمندان نسبت به کل جمعیت از رشد سریع‌تری برخوردار است. این رشد در دهه ۷۰ و ۸۰ آهنگ سریع‌تری داشته، به طوری که جمعیت سالمند هم‌اکنون در حال سالمندتر شدن است تغییرات شاخص

سالمندی نشان می‌دهد که هم‌اکنون توجه به مسائل سالمندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است با توجه به رشد سریع جمعیت سالمندی کشور، پدیده سالخوردگی در ایران هم بعنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی آینده خواهد بود که می‌بایست مورد توجه جدی مسئولان و برنامه ریزان قرار گیرد. در کنار مؤلفه‌های زیادی که برای دستیابی به سالمندی موفق دارای اهمیت هستند، عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌طور کلی، و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی به‌طور خاص، نقش عمده‌ای در سالمندی موفق ایفا می‌کنند و هر چه سالمندان از سرمایه اقتصادی و فرهنگی بالاتری برخوردار باشند از سالمندی موفق‌تری نیز برخوردار خواهند بود. بنابراین، در کنار اقداماتی مثل بیمه بازنشستگی و تأمین اقتصادی افراد در دوران سالمندی، مداخله برای تغییر در سبک زندگی، ذائقه‌ها و به‌طور خاص سرمایه فرهنگی افراد، ضرورتی مهم برای جلوگیری از آسیب‌های دوران سالمندی و دستیابی به سالمندی موفق است. با توجه به یافته‌های تحقیق و مطالب بیان‌شده، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

- اصلاح باورهای فرهنگی در خصوص سالمندی
- فرهنگ‌سازی و آگاهی‌سازی در خصوص سرمایه فرهنگی و سالمندی موفق
- افزایش امکانات و تسهیلات برای افزایش میزان سرمایه فرهنگی
- آموزش و ترویج سالمندی موفق بر اساس مبانی سرمایه فرهنگی
- سهولت دسترسی سالمندان به مراکز فرهنگی (تفریحی، سرگرمی، مطالعه و ...)
- افزایش مراکز فرهنگی خاص سالمندان

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۹۲)، روانشناسی شادی، ترجمه: مسعود گوهری انارکی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- آیزنک، مایکل دبلیو. (۱۳۸۷)، روانشناسی شادی، ترجمه: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی، تهران: انتشارات بدر.
- ابوالحسنی، فرشته و باستانی، فریده. (۱۳۹۷)، «سالمندی موفق در بعد رضایت از زندگی و درک از سالمندی در سالمندان مراجعه‌کننده به مرکز بهداشت غرب تهران»، نشریه پرستاری ایران، ۱۳۹۷؛ سال سی و یکم، شماره ۱۱۶: ۷۴-۶۱.
- ادریسی، افسانه؛ رحمانی خلیل، احسان و حسینی امین، نرگس. (۱۳۹۰)، «مدل‌های ترکیبی سرمایه اقتصادی و فرهنگی در تبیین انواع فعالیت‌های فراغتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، سال اول، شماره ۳: ۹۹-۱۲۲.
- اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید؛ خوشفر، غلامرضا و جانعلی‌زاده چوب بستنی؟؟؟؟؟؟؟؟، حیدر. (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۴۹، شماره ۲۴: ۶۷-۸۸.
- امین جعفری، بتول؛ آقاجانی، حسین و هاشمیان فر، علی. (۱۳۹۶)، «تبیین جامعه‌شناختی سالمندی پویا با تأکید بر سرمایه فرهنگی در شهر اصفهان»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۵۲: ۱-۱۷.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳)، «تحلیلی از اندیشه پیر بورديو درباره فضای منازعه آمیز اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶: ۳۲-۳۸.
- دهقانی، حمید؛ اکبرزاده، فاطمه و خوشفر، غلامرضا. (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان»، مجله راهبرد فرهنگ، شماره دوازدهم و سیزدهم: ۱۵۹-۱۸۲.
- ریتزر، جرج. (۱۳۹۰)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- شارع پور، محمود؛ رازقی، نادر و غلامزاده، خلیل. (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره چهارم، شماره ۳: ۱۵۷-۱۸۰.

سالمندی موفق بر اساس رویکردهای سرمایه اقتصادی و ... ۲۱۹

- شیانی، ملیحه و زارع، حنان. (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر برنامه‌های اجتماع‌محور بر رفاه ذهنی سالمندان»، *مجله سالمند*، سال هشتم، شماره ۲۹: ۱۶ - ۲۹.
- علی‌پور، محبوبه؛ صالح‌آبادی، رها؛ اکرمی، رحیم و گنج‌لو، جواد. (۱۳۹۹)، «بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و سالمندی موفق در جامعه سالمندان»، *مجله علوم پزشکی سبزوار*، دوره بیست و هفتم، شماره ۴: ۵۴۲-۵۴۷.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷)، «سازه‌های سرمایه فرهنگی و منابع مولد»، *مجله رشد علوم اجتماعی*، دوره دوازدهم، شماره ۲: ۱۲-۲۱.
- فتحی، الهام. (۱۳۹۹)، *پدیده سالمندی جمعیت در ایران و آینده آن*، تهران: انتشارات پژوهشکده آمار.
- فیلد، جان. (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه: جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- معتمدی، عبدالله. (۱۳۸۴)، «نقش رویدادهای زندگی در سالمندی موفق»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و دوم، شماره ۴: ۱۸۹-۲۰۳.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۳)، «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۴۲-۴۱: ۱۴۹-۱۶۰.
- میری، فرزانه سادات؛ غیایی، محمدمهدی و خدائی، زهرا. (۱۳۹۸)، «تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء امید به زندگی در سالمندان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال نوزدهم، شماره ۷: ۲۹۵ - ۳۳۳.
- Angel, Ronald, J. (2014). "Structural and Cultural Factors in Successful Aging Among Older Hispanics. " *Fam Community Health*, 32(10), 46-57.
- Bowling, Ann and Dieppe, Paul. (2005). "What is successful ageing and who should define it? " *BMJ Publishing Group Ltd*. 331(7531): 1548-1551.
- Cockeham, W. (2008). *The Sociology of Health Behavior and Health Lifestyles*, Prentice Hall College.
- Dahany, Dramé, Mahmoudi, Novella, Ciocan, Kanagaratnam, Jolly. (2014). "Factors associated with successful aging in persons aged 65 to 75 years. " *European Geriatric Medicine*, 5(6), 365-370.
- Heizel Mae Lucas, Carl James Lozano, Les Paul Valdez, Manzarate Rowena (2018). "A Grounded Theory of Successful Aging among Select Incarcerated Older Filipino Women. " *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 77.

- Hiller, J. and Rooksby, E. (2012). *Habitus: A sense of place*, USA: Ashgate Publishing.
- Kesebir, P. and Diener, Ed. (2008). "In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions." *Perspectives on Psychological Science*, 3 (2), 117-125.
- Phelan EA, Larson EB. (2002). "Successful aging – Where next? " *Journal of the American Geriatrics Society*, 50(7), 1306-1308.
- Rowe, J. W. and Kahn, R. L. (2004). *Successful Aging*. New York: Pantheon Books, a division of Random House, Inc.
- Stones, R. (2008). *Key sociology thinker*. London: Mac Millan Press, UK.